بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دیدار قشرهای مختلف مردم با معظمٌ له - 29 /مهر/ 1371

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

از همه‌ی برادران و خواهران عزیز، مخصوصاً کسانی که از راههای دور تشریف آورده‌اید، صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم که همه‌ی شما، مشمول لطف و عنایت پروردگار باشید.

مجموعه‌ی برادران و خواهرانی که در این مجلس تشریف دارند، نمایشگر ترکیب بدیعی در انقلاب اسلامی و کشور اسلامی ایران محسوب می‌شوند. ترکیب خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان عزیز که در حقیقت شهدای زنده هستند، آزادگان عزیز، رزمندگانی که هرکدام مدتهایی از عمر طیب و پاکیزه‌ی خودشان را در دوران جوانی، در جبهه گذراندند، ترکیب امروز این جلسه‌ی صمیمی ماست.

شما نمونه‌ای از یك ترکیب عظیم، با همین خصوصیات، در کل کشور هستید. یعنی ما امروز در این کشور پهناور و این جمعیت تقریباً شصت میلیونی، جمع عظیمی از مردم را مشاهده می‌کنیم که در میان آنها خانواده‌های شهدا، آزادگان جنگ تحمیلی، جانبازان فداکار و رزمندگان بسیجی و حزب‌اللهی حضور دارند و حقیقت این است که اکثریت قاطع ملت ما هم، از همین گروهها هستند.

این جنگ چند ساله، بوته‌ی آزمایشی برای ملت ما بود. همه را - مگر یك عده‌ی معدود - در بوته‌ی آزمایش خود وارد کرد، گداخت و تلطیف نمود و جانهای مستعد، از آن روزهای سخت و ملتهب، بهره‌ها گرفتند. آنچه می‌خواهم عرض کنم این است که همه‌ی ملتها، آزمایشهای سختی را در دوران زندگی خودشان گذرانده‌اند. لکن آن ملتی قوی، پایدار، عزیز و غنی می‌شود و پیشرفت می‌کند، که اولاً از آن آزمایشها سرافراز بیرون آید و ثانیاً نتایج آن آزمایشها را برای خودش حفظ کند. اگر فرض بفرمایید ملت ایران در این جنگی که گذشت، العیاذ بالله سستی به خرج می‌داد، نتیجه چه می‌شد؟ نتیجه همان چیزی می‌شد که در تقریباً در صد و پنجاه سال قبل در همین کشور اتفاق افتاد. جنگی از جانب همسایه‌ی شمالی بر ما تحمیل شد و نتیجه‌ی آن جنگ و سستیها در آن، این بود که بخش قابل توجهی از خاك این میهن از آن جدا شد و عهدنامه‌ی ننگین ترکمانچای بسته شد. کشور، همین کشور بود و ملت، همین ملت ؛ اما آن روز، این ملت از آن امتحان سربلند بیرون نیامد. سستی کرد و نتیجه آن شد که بعد از شکست در حادثه‌ی جنگ ایران و روس - در زمان قاجار - و بسته شدن عهدنامه‌ی ترکمانچای، تا دورانی طولانی، ملت ایران که هیچ، حتی شخصیتهای ایران احساس ضعف و خودباختگی می‌کردند و قدرت این را که شخصیتی از خود نشان دهند، نداشتند. یعنی آن شکست تاریخی، شکستی برای همان مرحله نبود، بلکه شکستی برای صد و پنجاه سال دوران تاریخ ما بود. آن یك امتحان بود. حالا چه شد که آن روز ملت ایران چنان امتحانی داد؟ خود این، یك تحلیل دارد: آن روز، حکام و رجال سیاسی، بد و فرماندهان نظامی نالایق بودند ؛ و الا مردم، مردم خوبی بودند. لازم بود کسی آن مردم را در وسط میدان نگه دارد، ایمان به حرکت خود داشته باشد، فداکاری کند و از منافع و لذت خود بگذرد. در آن روز، این‌گونه افراد نبودند. سلاطین حکومت می‌کردند و کشوری که در رأس آن، چنان حکام فاسدی باشند، نتیجه نیز همان می‌شود. همین ملت، در این جنگی که در زمان شما و ما اتفاق افتاد، چشم همه‌ی دنیا را به خودش متوجه کرد ؛ ایران را سربلند کرد و قدرت اسلام را نشان داد. با این‌که فقط یك کشور همسایه نبود که به ما حمله می‌کرد ؛ بلکه پشت سر آن امریکا بود، شوروی آن روز بود، دیگر قدرتهای مسلح عالم بودند ؛ اما درعین‌حال، به خاطر ایمان به خدا، رهبری امام بزرگوار - آن انسان فوق‌العاده - و فداکاری جوانان و گذشت خانواده‌ها، توانست یك حرکت همراه با افتخار را در این حادثه انجام دهد.

این، برای یك ملت، سرنوشت‌ساز است. یعنی عبور کردن از یك امتحان به شکل صحیح و خوب، ملت را عزیز، قوی و متکی به نفس می‌کند و خودباختگی را از او دور می‌سازد. این، آثار آن حرکتی است که شما مرد و زن در سرتاسر کشور، در هشت سال جنگ از خود نشان دادید. آن حرکت، واقعاً یك حرکت عظیم و بزرگ بود. آنچه من عرض می‌کنم این است: بعد از آن‌که به خاطر آن بزرگواریها و گذشتها، این محصول به دست ملت ایران آمد، باید به حفظ و تقویت آن پرداخت و نباید آن را رها کرد. از این روست که نبی‌اکرم اسلام، صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بعد از آن‌که از میدان جنگ سختی برگشتند، فرمودند: «این جهاد اصغر بود و بعد از این، نوبت جهاد اکبر است». جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس. جهاد با نفس را فقط در یك محدوده‌ی شخصی نباید محصور کرد. البته مبارزه با شهوات و لذت‌طلبی و راحت‌طلبی و افزون‌طلبی و اخلاق ناشایسته در وجود آدمی، مبارزه با نفس است و مهم هم هست. یعنی آدمی با آن شیطان درونی خود باید دائم مبارزه کند و او را مهار بزند تا نتواند انسان را به کارهای زشت وادار کند. لکن جهاد با نفس، در محدوده‌ی عظیم اجتماعی هم معنا دارد. آن، این است که این روحیات پیروزی‌آفرین و احساسات و تفکراتی را که توانست آن امتحان را به آن شکل افتخارآمیز به پایان برساند، در خودمان حفظ کنیم و خود را رها نکنیم. کسی گمان نکند که وقتی گفته می‌شود دوران بازسازی است، یعنی دیگر دوران حماسه و شور و انقلابی‌گری تمام شد. هرگز چنین نیست. دشمن می‌خواهد این‌طور تبلیغ کند که دوران بعد از جنگ و دوران بازسازی، یعنی دورانی که دیگر شور و حماسه‌ی انقلاب در آن نیست. یعنی آن حماسه‌ها و ایمان جوشان و فداکاریها و صلابت در مقابل دشمن، مخصوص دوران جنگ بود و حالا دیگر آن دوران تمام شد. حالا دیگر دوران این است که برگردیم به همان شکلی که مردم غافل بعضی از کشورها در آن شکل زندگی می‌کنند!

این است معنای دوران بازسازی؟ هرگز چنین نیست. کسانی که چنین تصور می‌کنند، در اشتباهند. در یك جامعه‌ی اسلامی و انقلابی، روح انقلاب و ایمان همیشه زنده و کارساز است. روح انقلاب و روح شور و حماسه‌ی انقلابی، در دوران جنگ موجب پیروزی در جنگ است و در دوران سازندگی موجب پیروزی در مبارزه‌ی سازندگی است. سازندگی هم یك مبارزه است. آدمهای کوته‌فکر گمان نکنند که دشمنان اسلام از دشمنی با نظام اسلامی و ملت مسلمان دست برداشته‌اند. آنها این دشمنی را در شکلهای مختلف، در شکل تبلیغات سوء - که امروز دنیا را از تبلیغات علیه نظام اسلامی و مسلمین و اسلام پر کرده‌اند - نشان می‌دهند. البته بحمدالله تبلیغاتشان بی‌اثر یا کم‌اثر است. آنها کار خودشان را می‌کنند ؛ ولو اثری نبخشد. آنها به وسیله‌ی رشد دادن عناصر خائنی که به انقلاب و ملت و کشور پشت کردند و با دشمنان ساختند و مزدور دشمن شدند، با ما خصومت می‌کنند. این کارها را بعد از دوران جنگ هم، به همان اندازه که در دوران جنگ انجام دادند - و بلکه بیشتر - انجام می‌دهند. تلاش دشمنان برای منحرف کردن افکار و جوانان، رها کردن ایمان و تعصبهای پرجوش اسلامی و مذهبی، که همیشه در همه‌ی مواقع بحرانی، نگهدار یك ملت و یك جامعه بوده است، ادامه دارد. آنها می‌خواهند تعصب دینی و اسلامی - که اصل است - و تعصب فرهنگ ملی - که آن هم برخاسته از اسلام است - نباشد.

دشمن که ساکت نمی‌نشیند! دشمن که از دشمنی دست برنمی‌دارد! ما در مقابل این دشمن، چگونه از این حقیقت عزیز و این گوهر گرانبها، یعنی استقلال کشور و انقلاب عظیم، دفاع خواهیم کرد؟ جز با ایمان عمیق و معرفت روشن مردم؟ این است که ملت عزیز ما باید هوشیار باشد. باید این زمزمه‌های خام و خواب کننده را از طرف شیاطین بداند.

ملت، بحمدالله هوشیار است. ما در قضایای مختلف این را احساس کرده‌ایم. شما ببینید امروز وقتی که در دنیای اسلام، در اقصی نقاط عالم، ماجرایی اتفاق می‌افتد که مسأله‌ی اسلام و مسلمین است، آن‌جا مردم ما، غیرت دینی خودشان را نشان می‌دهند. در همین قضایای مربوط به بوسنی هرزگوین، یا مربوط به فلسطین، یا مربوط به سایر

مناطقی که مسلمانان در فشارند، دیدید که مردم ما چطور آن غیرت و سوز دینی را نشان دادند. یعنی مردم و مسؤولین، به آن شور انقلابی پایبندند.

خدا را شکر می‌کنیم که امروز مسؤولین، خودشان جزو عناصر مقدم حزب‌اللهی هستند. رئیس جمهور مملکت، خود یك فرد حزب‌اللهی و پرشور و امتحان داده است. خدا را شکر می‌کنیم که هیچ وسیله‌ای برای این‌که دشمن بتواند تبلیغات و زمزمه‌های شوم خود را در ذهنها و دلها جا کند، وجود ندارد. اما درعین‌حال، دشمنان تبلیغاتشان را می‌کنند. قوام مملکت و نظام اسلامی و این استقلال دیر یافته، به این است که شما مردم و شما جوانان، همان شور و احساس انقلابی را که در دوران جنگ و در آغاز انقلاب بود، با همان قدرت حفظ کنید. همان غیرت دینی، همان انگیزه و همان احساس حضور دشمن در جبهه‌ی مقابل را باید حفظ کنید. همچنان که بحمدالله، جوانان حفظ کردند.

ما به آحاد ملت عزیز عرض کردیم ؛ و گفتیم امر به معروف و نهی از منکر، این واجب الهی را برپا بدارید. در بین جوانان در سرتاسر کشور، شور و غوغایی به وجود آمد. پس، پیداست که این جوانان متمایل به امر به معروف و نهی از منکرند. بنابراین، وظیفه‌ی ما، مسؤولین، قانونگذاران و مجریان است که راه و زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار و فراهم کنیم. امروز بحمدالله مجلس شورای اسلامی، مجریان، مسؤولین کشور و دستگاه قضایی، همه از خود این ملتند. مبادا در گوشه و کنار، یا در دستگاه انتظامی یا قضایی، کسانی باشند که راه را جلو آمر به معروف و ناهی از منکر سد کنند! مبادا کسانی باشند که اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کرد، از او حمایت نکنند، بلکه از مجرم حمایت کنند! البته خبرهایی از گوشه و کنار کشور، در بعضی از موارد به گوش من می‌رسد. هر جا که بدانم و احساس کنم و خبر اطمینان‌بخشی پیدا کنم که آمر به معروف و ناهی از منکر، خدای نکرده مورد جفای مأمور و مسؤولی قرار گرفته، خودم وارد قضیه خواهم شد. این، آن چیزی است که قوام کشور و استقلال کشور را حفظ خواهد کرد. والا ما دشمن زیاد داریم. چرا دشمن تا امروز نتوانسته است مویی از سر این ملت کم کند و به این کشور ضربه بزند؟ بحمدالله ایران اسلامی، با قدرت و صلابت کامل، در مقابل همه‌شان ایستاد و ایستاده است. چرا؟ ایران که همان ایران صد و پنجاه سال قبل است! این، به خاطر احساس وظیفه‌ی شما، به خاطر همین حضور شما، به خاطر همین روحیه‌ی حزب‌اللهی شما و به خاطر این است که زن و مرد مسلمان، تا همه‌جا حاضرند از ایمان و اسلام و انقلابشان دفاع کنند. اینهاست که این کشور را حفظ کرده است. مگر طور دیگری می‌شود این کشور را، با این همه دشمن و بدخواه که چشم طمع به منابع زیرزمینی و بازارهای آن دوخته‌اند، حفظ کرد؟! مگر می‌شود در مقابل آنها، بدون این روحیه مقاومت کرد؟! این گونه است که کشور حفظ می‌شود ؛ با امر به معروف و نهی از منکر. منتها من دو تذکر به شما جوانان عزیز - در هرجای کشور که هستید - می‌دهم. اولاً امر به معروف و نهی از منکر یك واجب است که رودربایستی و خجالت بر نمی‌دارد. ما گفتیم: اگر دیدید کسی مرتکب خلافی می‌شود، امر کنید به معروف و نهی کنید از منکر. یعنی به زبان بگویید. نگفتیم مشت و سلاح و قوت به کار ببرید. اینها لازم نیست. خدای متعال که این واجب را بر ما مسلمانان نازل فرموده است، خودش می‌داند مصلحت چگونه است. ما هم تا حدودی حکم و مصالح الهی را درك می‌کنیم. بزرگترین حربه در مقابل گناهکار، گفتن و تکرار کردن است. این‌که یك نفر بگوید اما ده نفر ساکت بنشینند و تماشا کنند، نمی‌شود. اگر یکی دچار ضعف نفس بشود، یکی خجالت بکشد و یکی بترسد، این‌که نهی از منکر نخواهد شد. گناهکار هم فقط بدحجاب نیست که بعضی فقط به مسأله‌ی بدحجابی چسبیده‌اند. این، یکی از گناهان است و از خیلی از گناهان کوچکتر است. خلافهای فراوانی از طرف آدمهای لاابالی در جامعه وجود دارد: خلافهای سیاسی، خلافهای اقتصادی، خلاف در کسب و کار، خلاف در کار اداری، خلافهای فرهنگی. اینها همه خلاف است. کسی غیبت می‌کند، کسی دروغ می‌گوید، کسی توطئه می‌کند، کسی مسخره می‌کند، کسی کم‌کاری می‌کند، کسی ناراضی تراشی می‌کند، کسی مال مردم را می‌دزدد، کسی آبروی مردم را بر باد می‌دهد. اینها همه منکر است. در مقابل این منکرات، عامل باز دارنده، نهی است ؛ نهی از منکر. بگویید: «آقا، نکن.» این تکرار «نکن»، برای طرف مقابل، شکننده است. این نکته‌ی اول ؛ که نهی از منکر، اراده و تصمیم و قدرت و شجاعت لازم دارد، که

بحمدالله، در قشرهای مردم ما و در زن و مرد ما وجود دارد. باید آن را به کار بگیرید. منتظر نباشید که دستگاهها بیایند و کاری بکنند.

بعضی از مردم به این‌جا تلفن زدند، نامه نوشتند و سفارش کردند که «آقا! شما گفتید نهی از منکر. سیل پشتیبانیها هم انجام گرفت. اما عملاً کاری نشد!» عملاً چه کار می‌خواستید بشود؟ مگر لازم است که این‌جا هم دولت وارد شود یا دستگاه قضایی مستقیماً وارد شود؟ خودمردم باید وارد شوند. خود مردم باید نهی کنند. البته دولت، مجلس شورای اسلامی، دستگاه قضایی و نیروی انتظامی، موظفند که ناهی از منکر را پشتیبانی کنند. این، وظیفه‌ی آنهاست. مباشر کار، خود مردم می‌توانند باشند و باید باشند. بخش عمده‌ی قضیه، این‌جاست. جوان رزمنده، خانواده‌ی شهید داده، خانواده‌ی ایثارگر، خانواده‌ی اهل انفاق، مؤمنین نمازخوان و روزه بگیر و مسجد برو، دلسوزان انقلاب، روشنفکران علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی و انقلابی ؛ همه‌ی اینها باید در صحنه باشند.

تذکر دوم این است که مواظب باشید کسانی از این واجب الهی، سوء استفاده نکنند. حساب صاف کردنها، به خرده حسابهای گذشته رسیدن، پرده‌دری، آبروریزی، تعرض‌به نوامیس و عرض و مال این و آن به بهانه‌ی این واجب الهی، اینها نباید باشد. مردم باید هوشیار باشند. مردم همواره و در همه‌ی قضایا تیزهوشند. تیزهوشی مردم است که خیلی از اوقات دستگاهها را متوجه قضایای گوناگون می‌کند. در همین قضایای رذالتها و موذی‌گریهای ضد انقلاب و گروهکها از روز اول تا امروز، غالباً مردم بودند که کمك کردند، مباشرت کردند، تیزبینی کردند، دقت به خرج دادند، چیزی را دیدند و اقدامی را انجام دادند و مسؤولین را هم هدایت کردند. این‌جا نیز همان‌طور است. خود مردم، با تیزهوشی نباید بگذارند این واجب الهی و این فریضه‌ی بزرگ زمین بماند، یا خدای ناکرده مورد سوء استفاده قرار گیرد.

امروز قدرتهای استکباری یك اشاره می‌کنند و با اشاره‌ی آنها، به وسیله‌ی دولتی، در نقطه‌ای از دنیا، تصمیمی گرفته می‌شود. سفیر امریکا، سفیر انگلیس یا سفیر فلان کشور مقتدر دیگر، با وزیر خارجه، وزیر دارایی و حتی رئیس جمهور فلان کشور، می‌نشیند حرف می‌زند، اشاره‌ی دولت خودش را می‌رساند و آن دولت بیچاره، تصمیم گیری می‌کند! آن رئیس جمهور یا آن وزیر خارجه، تسلیم می‌شود، تصمیم گیری می‌کند! امروز قدرتها، این گونه در کشورهای جهان سوم حکمرانی و قدرت نمایی می‌کنند. همان قدرتهای گردن کلفت و قلدر که در کشورهای آفریقایی و آسیایی و حتی بعضی از کشورهای اروپایی، با یك اشاره کارشان را راه می‌اندازند، از ملت مبارز و انقلابی ایران واهمه دارند و می‌ترسند. هیچ امیدی ندارند که بتوانند دراین ملت نفوذ کنند و بر او حکم برانند. گاهی از در فریب وارد می‌شوند. لبخند می‌زنند که «ما ملت ایران را دوست داریم! ما می‌خواهیم ارتباط برقرار کنیم!» اما دروغ می‌گویند. تجربه‌های گذشته نشان داده است که دروغ می‌گویند. خنجری در پشت مخفی کرده‌اند و دستی برای چپاول، درازا! ما اینها را شناخته‌ایم.

این قدرت ملت‌ایران، که بحمدالله در سرتاسر آفاق سیاسی عالم برای سیاستمداران و مسؤولان و قدرتهای جهانی شناخته شده است، ناشی از چیست؟ ناشی از همین ایمان است. ناشی از همین انگیزه است. ناشی از همین هوشیاری و آگاهی و از همین اتحاد کلمه است. اینها را حفظ کنید. توصیه‌ی من، بخصوص به شما جوانان، رزمندگان، شهیددادهها و جانبازان و آزادگان، این است که توطئه‌ی دشمن را استشمام و درك کنید. آن‌جایی که می‌خواهد اختلاف ایجاد کند ؛ آن‌جایی که می‌خواهد بین ملت و دولت جدایی بیندازد ؛ آن‌جایی که می‌خواهد قدر دولت و مسؤولین خدمتگزار و زحمتکش را در چشم مردم بشکند و آنها و زحمات آنها را کوچك کند، بدانید که توطئه می‌کند و این دست و زبان خبیث دشمن است که حرف می‌زند. امام بزرگوار ما رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، روی همین هوشیاری و آگاهی، در تمام این مدت و تا آخر عمر، تکیه می‌فرمود و سعی می‌کرد ما ملت ایران را هوشیار

نگه دارد. مبادا بگذارید این هوشیاری، ذره‌ای مخدوش شود! مبادا احساسات گنگ و کور، بر بعضی غلبه کند و چیز کوچکی را بزرگ کنند و نظام و انقلاب و دستگاههای خدمتگزار و دولت جمهوری اسلامی و همه‌ی اینها را ندیده بگیرند! مواظب باشید چنین اشتباهی انجام نگیرد که این دشمن شاد کن خواهد بود.

ملت ایران، راه روشنی را باز کرد. شما ملت، بن‌بستی را شکستید که همان سلطه‌ی استکبار و استبداد جهانی بر ملتها بود. این را شما شکستید. ملتها دنبال شما حرکت می‌کنند و ما وظیفه داریم از ملتهایی که حرکت می‌کنند، دفاع کنیم و دفاع خواهیم کرد. من وظیفه‌ی شرعی خود می‌دانم که از ملت بوسنی هرزگوین دفاع کنم و دفاع خواهم کرد. تا آن‌جا که بتوانیم این ملت مظلوم را پشتیبانی کنیم، پشتیبانی خواهیم کرد. آنها در خط مقدم قرار گرفته‌اند و دشمن، همه‌ی زور و نیروی خود را بر سرشان فرود آورده است. با تعارفات و حمایتهای زبانی می‌خواهند مسأله را تمام کنند. البته راه ما، متأسفانه بسته است. امکان کمك‌رسانی به‌طور کامل نیست. اما این تصمیم جهانی را قبول نداریم که «دشمنان آنها روزبه‌روز از طرق مختلف مجهزتر شوند.» بعضی گفته‌اند «دشمنان آنها از سوی اسرائیل غاصب حمایت می‌شوند.» ملت ایران، حمایت از آن ملت مظلوم را راه اسلام، و این تکلیف را یك تکلیف اسلامی می‌داند.

امیدواریم خدای متعال دلهای ما را روشن، چشمهای ما را باز، بصیرت ما را زیاد، ایمان ما را هرچه محکمتر و این اتحادی را که بین ملت ماست، هرچه مستحکم‌تر کند. این محبتی را که بین مسؤولین کشور و این ملت عزیز هست، روزبه‌روز بیشتر کند. قوت این ملت را روزبه‌روز بیشتر کند. مسؤولین را در خدمتگزاری به این ملت و مخصوصاً مستضعفین و ایثارگران، موفقتر کند. ما را به وظیفه‌مان آشناتر کند. اعمال و رفتار ما را مورد رضای ولیّ‌عصر ارواحنالتراب مقدمه‌الفداء قرار دهد و روح مقدس امام را از ما شاد کند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته